



ضرورت تعیین مبانی دزست غلط

در زبان

• ابوالحسن نجفی



اشاره

زبان‌شناسان نقش‌های گوناگونی برای زبان برشمرده‌اند که آن‌ها را به اجمال می‌توان این‌گونه دسته‌بندی کرد:

۱. نقش اصلی: ایجاد ارتباط با دیگران؛
۲. نقش‌های فرعی، شامل: ایجاد تکیه‌گاه اندیشه، حدیث نفس، و ایجاد زیبایی هنری^۱.
نقش اصلی زبان، یعنی ایجاد ارتباط با دیگران، نتیجه‌ی اجتماعی‌بودن انسان است؛ یعنی اجتماعی‌بودن نیاز به رابطه را پدید می‌آورد. برآوردن این نیاز، خود محتاج وسیله‌ای مشترک در میان انسان‌هاست و این وسیله‌ی مشترک همان زبان است. بنابراین، زبان نهادی است اجتماعی و در هر امر مربوط به زبان، از جمله پژوهش‌های زبانی، باید به این نکته و لوازم آن توجه داشت.

روشن است که صورت اولیه‌ی زبان گفتاری بوده و خط و به تبع آن، صورت نوشتاری بعد از آن، به سبب نیازهایی که گفتار از برآوردن آن‌ها عاجز بوده است، ایجاد شده و سپس، به مرور، تفاوت‌هایی بین گفتار و نوشتار پدید آمده است.

موضوع علم زبان‌شناسی، در ابتدا زبان گفتار بود. زبان‌شناسان ابتدا به سطح آوایی زبان توجه داشتند و با گذشت زمان، به دیگر سطوح آن پرداختند. به عبارت دیگر، در زبان‌شناسی همواره از زبان نوشتار غفلت شده و زبان نوشتار در این علم درجه‌ی دوم اهمیت قرار گرفته است؛ در حالی‌که عمده‌ی پیشرفت بشر در علم و تمدن، متکی به زبان نوشتار بوده و دستاوردهای انسانی به واسطه‌ی آن به نسل‌های بعد انتقال یافته است.

۱۶/۱۷ ۹۱۹۳

پاییز و زمستان ۱۳۸۵

۵۶

ضی‌باغی‌نویسی

زبان‌شناسی و داوری درباره‌ی زبان

عده‌ی از زبان‌شناسان معتقدند که وظیفه‌ی زبان‌شناس صرفاً مشاهده و توصیف و کشف قواعد زبانی است. به زعم ایشان، زبان‌شناس نباید با اطلاعاتی که از مطالعه‌ی زبان به دست می‌آورد، به تجویز و توصیه‌ی زبانی بپردازد و درباره‌ی درست و غلط زبانی داوری کند. درباره‌ی این نظر چند نکته قابل طرح است: اول این که می‌توان پرسید: آیا خود این نظر تجویز و توصیه نیست؟ دوم این که اگر کار علم فقط توصیف باشد، پس علم، از جمله زبان‌شناسی، به چه کار می‌آید؟ و آیا مثلاً روان‌شناس و جامعه‌شناس هم فقط باید توصیف و مشاهده کنند یا باید از مشاهده برای تغییر و بهبود موضوع دانش خود بهره‌گیرند؟ دیگر آن که، با توجه به اجتماعی و اشتراکی بودن زبان، آیا می‌توان آن را هرطور که خواست تغییر داد و به کار برد؟ و آیا این باعث اختلال در نقش ارتباطی زبان نمی‌شود؟

گروهی از زبان‌شناسان نیز می‌گویند که «زبان درست»، «زبان مردم» است. باید پرسید: منظورشان کدام مردم و چه گروهی از آنان است؟

اصولاً چنین داوری‌هایی به پژوهش آماری نیاز دارد. البته یکی از منابع قواعد درست و غلط در زبان، همان زبان مردم یا زبان گفتار است؛ اما با توجه به عمده‌ی «مردم» موردنظر و مطالبی که با آن نوع زبان ادا می‌شود. به علاوه، درباره‌ی زبان فارسی باید توجه داشت که این زبان محدود به تهران و حتی ایران نیست.

شاید کسانی بگویند که در مواردی، رعایت نکردن قواعد زبان (به معنای عام آن و با توجه به همه‌ی سطوح آن) و به تعبیری، «غلط سخن گفتن»، مانع ارتباط نمی‌شود و مخاطب پیام را درمی‌یابد. در پاسخ باید گفت که این حکم درباره‌ی زبان شفاهی و در سطحی‌ترین لایه‌ی ارتباط ممکن است صدق کند، ولی در سطوح عمیق‌تر ارتباط و نیز در دیگر نقش‌های زبان (ایجاد تکیه‌گاه اندیشه، حدیث نفس، و ایجاد زیبایی هنری) مطمئناً چنین نیست. به علاوه، مثلاً اگر کسی به جای «تشکر می‌کنم» بگوید «متشکر می‌کنم»، مخاطب او پیامش را درمی‌یابد، اما می‌فهمد که او، مثلاً یا قصد شوخی دارد یا به زبان فارسی تسلط ندارد. نتیجه آن که سخن گفتن بدون توجه به قواعد آن (البته با توجه به سطح کلام، قصد گوینده، وضعیت و...) موجب اختلال در ارتباط، از جمله سوءتفاهم، و ابهام و تناقض می‌شود. گذشته از این، رعایت نکردن قواعد زبان، علی‌الخصوص در نوشتار، اقتصادی نیست. امروزه آثاری منتشر می‌شوند که خواننده باید بخش عمده‌ی آن‌ها را چند بار بخواند تا منظور نویسنده را دریابد و این اصطلاحاً از لحاظ اقتصادی «به صرفه» نیست؛ زیرا موجب اتلاف وقت مخاطب می‌شود. هم‌چنین، باید توجه داشت که برای بیان مطالب دقیق و ظریف، مثلاً در حوزه‌ی علم و فلسفه، حتماً باید به قواعد زبان پای‌بند بود.

معیار درست و غلط در زبان فارسی

در بحث از درست و غلط در زبان، در میان فرهنگ‌هایی که میراث ادبی کهن دارند و غیر آن‌ها، تفاوت هست. در زبان فارسی، زبان امروز اهل آن صورت تحول‌یافته‌ی زبان متون کهن

موضوع
علم زبان‌شناسی
در ابتدا
زبان گفتار بود
زبان‌شناسان ابتدا
به سطح آوایی زبان
توجه داشتند
و با گذشت زمان
به دیگر سطوح آن
پرداختند

۱۶/۱۷

پاییز و زمستان ۱۳۸۵

۵۲



است. به علاوه، بسیاری از عناصر زبان و فرهنگ امروز فارسی، همان‌هایی است که در این متون ثبت و ضبط شده است. لذا در بحث «درست و غلط در زبان»، یکی از معیارهای حفظ پیوند با این پیشینه است و کنار گذاشتن آن، تنها به جهت مصلحتی خاص، مثلاً بیان مطالب علمی جدید، جایز است.

به طور خلاصه، منابع کشف قواعد درست و غلط در زبان فارسی از این قرار است:

الف) زبان کهن، براساس معتبرترین آثار هزار و دویست سال گذشته؛

ب) زبان گفتار امروز؛

ج) زبان نوشتار امروز.

با توجه به این منابع، قواعد کلی درست و غلط در زبان فارسی این‌گونه قابل دسته‌بندی

هستند:

۱. اگر کلمه یا عبارت یا ساختی در هر سه منبع مذکور به کار رفته باشد، باید آن را صحیح

شمرد؛

۲. اگر کلمه یا عبارت یا ساختی فقط در منبع الف به کار رفته باشد، منسوخ است، اما در

صورت ضرورت می‌توان از آن استفاده کرد؛

۳. اگر کلمه یا عبارت یا ساختی فقط در الف و ب یا فقط در الف و ج به کار رفته باشد،

صحیح است؛

۴. اگر کلمه یا عبارت یا ساختی در ب و ج به کار رود، ولی در الف به کار نرفته باشد، درست

است؛

۵. اگر کلمه یا عبارت یا ساختی فقط در ب به کار می‌رود، صحیح است؛ مگر در مواردی

معدود که توصیه می‌گردد از آن استفاده نشود؛

۶. اگر کلمه یا عبارتی فقط در ج به کار رود، ولی در الف و ب به کار نرفته باشد، غلط است؛

و بیشتر چنین صورت‌هایی نتیجه‌ی کار مترجمان خام‌دست و بی‌مایه است.

نکته آن که، کاربرد این قواعد مقید به سطح و سبک زبان مورد استفاده است. یعنی ممکن

است واژه یا عبارت یا ساختی بر طبق این قواعد در کل درست باشد، اما کاربردش در یک یا چند

سطح یا سبک زبان درست نباشد.

آن چه ذکر شد معیارهای درست و غلط در زبان فارسی رایج در میان مردم بود، اما

معیارهای زبان فصیح فارسی، یعنی زبان افراد تحصیل‌کرده‌ی فرهیخته و با فرهنگ،

اندکی با این معیارها تفاوت دارد. این زبان به جهت نقش خاصش، یعنی بیان ظرایف و

دقایق فکری و معنوی و هنری، علاوه بر معیارهای مذکور، نیازمند ملاک‌هایی دیگر است؛

و آن ملاک‌ها را باید پس از مطالعه و بررسی دقیق و همه‌جانبه و با توجه به نظر جمعی

صاحب‌نظران و متخصصان تعیین کرد. با این همه، اگر منابع مذکور نیاز به بیان مطالب

نوظهور را، که عمدتاً در حوزه‌ی علوم و فلسفه و ادبیات مصداق می‌یابد، برنیابورند، باید به ساخت

واژه و ترکیب متوسل شد؛ مثل مصادر برساخته که از «اکسیژن» ساخته‌اند: اکسیدان، اکسایش،

اکسیده.

سخن گفتن

بدون توجه

به قواعد آن

موجب اختلال

در ارتباط

از جمله سوءتفاهم

و ابهام و تناقض

می‌شود

۱۶/۱۷ ۹۱۹۲

پاییز و زمستان ۱۳۸۵

۵۸



زبان متون آموزشی

با توجه به آن چه گذشت، به نظر می‌رسد که در تعیین زبان متون آموزشی، به ویژه در دوره‌های پیش از دانشگاه، باید محتاط‌تر بود؛ همان‌طور که در انتخاب قطعات ادبی احتیاط می‌شود و آن‌ها که فصیح‌تر و ظریف‌تر و استوارترند، برگزیده می‌شوند. در این نوع متون، باید از مشکوکات زبانی پرهیز کرد. زبان این نوع متون باید تا حد امکان، فصیح، دقیق، روشن، مطابق با قواعد زبان فارسی، به دور از نوآوری‌های تثبیت نشده، و البته در حد فهم خوانندگان باشد.

در تعیین
زبان متون آموزشی
باید از
مشکوکات زبانی
پرهیز کرد

۱۶/۱۷ ۹۱۹۶
پاییز و زمستان ۱۳۸۵

۵۹

پی‌نوشت

۱. برای توضیح بیشتر بنگرید: نجفی، ابوالحسن. مبانی زبان‌شناسی و کاربرد آن در زبان فارسی. نیلوفر. تهران. ۱۳۷۴. ص ۴۱-۳۴.

منبع

برگرفته از مجموعه گفتارها درباره‌ی زبان معیار و نمونه‌هایی از زبان معیار، مربوط به گزارش: «طرح پژوهش زبان فارسی معیار در متن آموزشی»، سیما وزیرنیا، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، اردیبهشت ماه ۱۳۸۴.

